

به نام خدا

چله شکرگزاری قرآنی

مؤلف :

عاطفه الوندی

انتشارات ارسطو

(سازمان چاپ و نشر ایران - ۱۴۰۲)

نسخه الکترونیکی این اثر در سایت سازمان چاپ و نشر ایران و اپلیکیشن کتاب رسان موجود می باشد

chaponashr.ir

سرشناسه: الوندی، عاطفه، ۱۳۶۳-
عنوان و نام پدیدآور: چله شکرگزاری قرآنی/مؤلف عاطفه الوندی.
مشخصات نشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)، ۱۴۰۲.
مشخصات ظاهری: ۴۲۷ص.
شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۱۹-۴-۴
وضعیت فهرست نویسی: فیپا
یادداشت: کتابنامه.

موضوع: شکر -- جنبه‌های قرآنی *Gratitude to God -- Quranic teaching
شکر -- احادیث *Gratitude to God -- Hadiths
شکر -- جنبه‌های مذهبی -- اسلام
*Gratitude to God -- Religious aspects -- Islam
لطف الهی در قرآن
Grace (Islamic theology) in the Quran

رده بندی کنگره: BP۱۰۴

رده بندی دیویی: ۲۹۷/۱۵۹

شماره کتابشناسی ملی: ۹۲۵۶۸۹۴

اطلاعات رکورد کتابشناسی: فیپا

نام کتاب: چله شکرگزاری قرآنی

مؤلف: عاطفه الوندی

ناشر: ارسطو (سامانه اطلاع رسانی چاپ و نشر ایران)

صفحه آرای، تنظیم و طرح جلد: پروانه مهاجر

تیراژ: ۱۰۰۰ جلد

نوبت چاپ: اول - ۱۴۰۲

چاپ: زبرجد

قیمت: ۳۴۵۰۰۰ تومان

فروش نسخه الکترونیکی - کتاب‌رسان:

<https://chaponashr.ir/ketabresan>

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۳۳۹-۱۱۹-۴-۴

تلفن مرکز پخش: ۰۹۱۲۰۲۳۹۲۵۵

www.chaponashr.ir



انتشارات ارسطو



فهرست مطالب

شماره صفحه	عناوین
۷	مقدمه
۱۰	انواع شکرگزاری
۱۷	روز اول نعمت قرآن
۲۶	روز دوم نعمت گوش
۳۵	روز سوم نعمت چشم
۵۲	روز چهارم نعمت عقل
۶۲	روز پنجم نعمت قلب
۷۲	روز ششم نعمت زبان و سخن گفتن
۸۲	روز هفتم نعمت بینی و بوییدن
۹۲	روز هشتم، نعمت دست و پا
۹۸	روز نهم نعمت زمین
۱۱۰	روز دهم نعمت آسمان
۱۲۱	روز یازدهم نعمت رعد و برق
۱۳۴	روز دوازدهم نعمت باران و تگرگ

۱۴۶	روز سیزدهم نعمت درخت
۱۶۳	روز چهاردهم نعمت آتش
۱۷۱	روز پانزدهم نعمت آب
۱۷۷	روز شانزدهم نعمت میوه
۱۸۳	روز هفدهم نعمت مواد معدنی و فلزها
۱۹۱	روز هجدهم نعمت کوه
۲۰۷	روز نوزدهم نعمت خواب
۲۱۷	روز بیستم نعمت امام
۲۳۹	روز بیست و یکم نعمت خورشید و ماه
۲۵۳	روز بیست و دوم نعمت همسر
۲۶۱	روز بیست و سوم نعمت گیاهان
۲۷۳	روز بیست و چهارم نعمت فرزند
۲۸۰	روز بیست و پنجم نعمت ستارگان
۲۸۶	روز بیست و ششم نعمت نهر
۲۹۱	روز بیست و هفتم چشمه
۲۹۹	روز بیست و هشتم نعمت چهارپایان
۳۱۲	روز بیست و نهم شکر مصیبت
۳۲۴	روز سی ام تشکر از بندگان
۳۳۰	روز سی و یکم نعمت سنگ
۳۳۹	روز سی و دوم نعمت دریا و اقیانوس

روز سی و سوم شکر سلامتی	۳۵۰
روز سی و چهارم شکر هدف داشتن	۳۵۶
روز سی و پنجم نعمت حیات	۳۶۲
روز سی و ششم نعمت روزی و درآمد	۳۷۰
روز سی و هفتم شکر شیعه بودن	۳۸۱
روز سی و هشتم شکر افراد تاثیرگذار	۴۰۲
روز سی و نهم شکر شکر	۴۱۰
روز چهلم شکر چله	۴۱۵
کلام آخر	۴۲۶
منابع	۴۲۷

مقدمه

در زمانی که به جاهلیت بسر می‌بردم به شاد بودن غیر مسلمان‌ها غبطه می‌خوردم و از اینکه در شناسنامه‌ام مسلمان خورده بود ناراحت بودم و دلم می‌خواست خودم دینم را انتخاب می‌کردم.

پدری که در مورد یک سری موارد سخت‌گیر بود و در مواردی دیگر آسان‌گیر، دقیق متوجه نمیشدم چه چیزی قانون اسلام است و چه چیزی غیرت مردانه. راستش بعلت فرهنگ عجیب زمانه‌ای ما بعضی چیزها ریشه در ابا و اجداد داشت و انگار ذاتا مردها به بعضی چیزها حساس هستند مثل حدی از پوشش و خندیدن با مردی دیگر.

البته برای هر فردی این میزان گیر دادن متفاوت است. بعضی‌ها شامل مراقبت نمیشدند و بعضی‌ها بعلت تشخیص پدر باید از آنها دوری می‌کردم. قطعاً این باعث گیج شدن من می‌شد و تصمیم گرفتم کلاً مخفی کاری داشته باشم و فرض را بر این بگیرم که پدرم بر هر موجود نری حساسیت دارد. اینطور دیگر حد خود را می‌دانستم و تضادی ایجاد نمی‌شد. با ازدواج با مردی مذهبی اوضاع پیچیده‌تر و عجیب‌تر شد و از سر لجبازی در قرآن به دنبال رد آن می‌گشتم. و هرچه بیشتر می‌خواندم مطمئن‌تر می‌شدم که خبری هست در عالم که من از آن بی‌خبرم.

کتابهای شکرگزاری غربی که توسط یک انسان نوشته شده بود یارای مقابله با شکرگزاری عمیق قرآن را نداشتند و من شیفته نوع قوانین قرآنی شدم و کتابچه‌ای راهنمای ۱۴۰۰ سال پیش بطرز عجیبی شد معجزه‌ی زندگی‌م.

من از خواندن این کتاب آسمانی به خدا رسیدم.

شکرگزاری قرآنی یکی از اهداف من برای شکرگزاری عملی از قرآن است و دلم می‌خواهد در این کتاب حقی که قرآن به گردن من دارد را ادا کنم.

قرآن وسیع‌ترین و عمیق‌ترین شکرگزاری را به من آموخت و حال وقت آموزش دادن آنچه آموختم است.

خدایا میدانم دانسته‌های اندک من تحفه‌ای بیش نیست اما من تمام تلاشم را میکنم که کمی به شکرگزاری عملی قرآن نزدیک شوم. کم مرا زیاد حساب کن. آمین یا رب العالمین

با خواندن این کتاب زندگی شما متحول خواهد شد هرگز آدم سابق نخواهید بود و نوع نگاه شما به هستی و کائنات متفاوت خواهد شد.

سطح معرفت و ایمان و تقوا و حتی ثروت شما تغییر خواهد کرد. چون خداوند وعده داده است کسی که شکر او را به جا آورد خود او را افزایش خواهد داد. با افزایش ظرفیت قطعاً سطوح دیگر زندگی شما هم رشد خواهد کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

گفت پروردگارا سینه‌ام را گشاده گردان (۲۵)

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

و کارم را برای من آسان ساز (۲۶)

وَاحْلُلْ عُقْدَةً مِنْ لِسَانِي

و از زبانیم گره بگشای (۲۷)

يَقْفَهُوا قَوْلِي

[تا] سخنم را بفهمند (۲۸)

انواع شکرگزاری

ما برای شکرگزاری خداوند مأمور شده‌ایم؛ اما تشکر از او به سه مقدمه نیاز دارد: ۱. شناخت نعمت‌دهنده (خدا)؛ ۲. شناخت آنچه او در اختیار ما گذاشته (نعمت)؛ ۳. نعمت دانستن آنچه از او به ما رسیده است؛ اما با وجود این، ما از به جا آوردن شکر واقعی او عاجز هستیم. در مناجات شاکرین آمده که چگونه می‌توانیم حق شکر خدا را به جا آوریم، درحالی‌که همین شکر ما، نیاز به شکر دیگری دارد و هر زمان که می‌گوییم «لک الحمد» بر ما لازم است به خاطر همین توفیق شکرگزاری، شکری دیگر بکنیم و بگوییم «لک الحمد»؛ اما نباید ناامید شد؛ بلکه در حد توان خود، باید به تشکر زبانی و عملی پرداخته و از خداوند، رسیدن به مرحله شکر قلبی را درخواست کرد.

شکر یک حقیقت دارد و یک ظاهر، حقیقت شکر، قدر و اندازه‌شناسی نعمت است؛ و ظاهر شکر، گفتن (الحمدلله) در حال سجده یا غیر آن است. در قرآن همان‌طور که شکر را به بندگان نسبت داده، خداوند را نیز شکور معرفی کرده است؛ از این می‌فهمیم که شکر باید معنایی وسیع‌تر از آنچه در ذهن ماست، داشته باشد، تا شامل خداوند متعال هم بشود.

تشکر خداوند از بندگان، فضل او و ضایع نمودن اجر عمل بندگان است؛ اما شکرگزاری بندگان نسبت به خداوند سه قسم است:

۱. شکر قلبی و آن تصور نعمت و شناخت منعم است؛

۲. شکر زبانی و آن ثنای بر منعم است؛

۳. شکر به سایر اعضا و آن مکافات نعمت است به قدر استحقاق آن

امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «مَنْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ بِنِعْمَةٍ فَعَرَفَهَا بِقَلْبِهِ فَقَدْ

آدای شکرها؛ هر کس نعمت خدا داده را با دل بشناسد، شکرش را ادا کرده است.»

شکر زبانی

آن است که شکرگزار به تمجید و ثناگویی و تسبیح و تهلیل «نعمت دهنده» می‌پردازد و در حد فکر و توان خود، او را می‌ستاید. همین‌طور در قالب «امر به معروف و نهی از منکر» دیگران را نیز به اطاعت از او و او می‌دارد.

شکر زبانی اعتراف به نعمت، شکر قلبی دانستنِ نعمت از خدا، و شکر عملی اطاعت از منعم است.

شکر قلبی

قلب «سپاسگزار» همواره یاد نعمت و بخشش «نعمت گستر» و بزرگداشت و تعظیم اوست و در برابر بزرگی و توجه او اظهار کوچکی و نیاز می‌کند و با تفکر در کارهای بزرگ و مخلوقات گوناگون خدا و اراده خیررسانی به بندگانش، شگفتی خویش را ابراز می‌دارد و خضوع و خشوعش افزون می‌گردد. برای شناخت بهتر نعمت‌ها از بیا

نات امام صادق علیه السلام به مفضل استفاده کرده ایم براساس کتاب توحید مفضل.

شکر عملی

مرحله سوم شکر، سپاسگزاری عملی در برابر «نعمت گستر» است که

۱. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۹۶، اسلامیه.

«نعمت پذیر» باید تلاش کند نعمت‌های خدا را در راه نافرمانی او به کار نگیرد، بلکه از آنها برای اطاعت و عبادت او کمک بجوید.

شرط شکر

صرف کردن نعمت در جهت طاعت را شرط شکر است. عبدالرزاق کاشانی، درباب شرط شکر، در شناخت نعمت، قبول و عمل به آن را شکر عامه و اشتغال به شهود را شکر خاصه دانسته است. که بسیار جای فکر دارد. شکرگزاری درست قطعاً شهود قلب را زیاد کرده و خداوند بواسطه‌ای پیامبر درون با شهود درست انسان را راهنمایی به کارهای درست و پر فایده خواهد کرد. طبق سوره سبا آیه ۱۳ خداوند میفرماید کمند بندگان شکرگزار و قطعاً منظور شکر عملی می‌باشد. عرفا شکر را نعمت و توفیقی از جانب خدا می‌دانند که مانند هر نعمت دیگری باید شکر آن به جا آورده شود.

بر این اساس، شکر حق ممکن نیست، زیرا بنده برای هر نعمتی که از جانب خدا به او می‌رسد باید تا بی‌نهایت شکر کند و این خارج از طاقت بشر است.

در نتیجه، عرفا معتقدند که آگاهی به عجز و ناتوانی در ادای شکر الهی، خود شکری دیگر است. در تایید این مطلب اغلب عرفا^{۱۲۳} به گفتگوی حضرت داود (علیه‌السلام) با خدا اشاره کرده‌اند، که داود (علیه‌السلام) گفت: «خدایا چگونه شکر تو را به جای آورم در حالی که هر شکر، نعمتی است از جانب تو بر من و

۱. قشیری نیشابوری، عبدالکریم هوازن، الرسالة القشیریه، ج ۱، ص ۱۷۴، چاپ معروف زریو و عبدالحمید بلطه‌چی، دمشق ۱۳۶۷/۱۹۹۸ یا ۱۳۶۹/۱۹۹۰.

۲. جیلانی حسنی، عبدالقادر، الغنیه لطالبی الحق عزوجل، ص ۶۰۲، قاهره ۲۰۰۶/۱۴۲۷.

۳. کاشانی، عزالدین محمود، مصباح الهدایه و مفتاح الکفایه، ج ۱، ص ۲۶۸، چاپ عفت کرباسی و محمدرضا برزگر خالقی، تهران ۱۳۸۱.

خود محتاج شکر دیگر (شکرِ شکر)؟»

خداوند فرمود: «الآن، مرا شکر کردی.» از نظر روزبهان بقلی شیرازی^۱ شکر خدا هرگز امکان پذیر نیست، چرا که شکر به معنای معرفت پیدا کردن است و معرفت یافتن یعنی محیط شدن، و محیط شدن بر خدا غیر ممکن است، چون او قدیم است و ما حادث و شکر حادث بر قدیم ممکن نیست.

حقیقت شکر

رؤیت عجز از شکر را حقیقت شکر به‌شمار آورده اند. برخی از عرفا ثنای محسن با ذکر احسانش را حقیقت شکر دانسته اند.

از نظر سهرودی حقیقت شکر آن است که بنده هرآنچه را که خدا برایش اقتضا کرده است نعمت بشمارد، حتی اگر به حکمت آن آگاه نباشد.

نکته‌ای جالب توجه این است که عزالدین کاشانی صبر را مقدم بر شکر دانسته است و در واقع صابر شاکر است و شاکر صابر.

مراتبی برای شکر هم بیان شده است شکر بر موارد دوست داشتنی و شکر بر بدیها و زشتیها و شکر مرتبه‌ای سوم که بالاترین آن است و استغراق در مشاهده منعم است به گونه‌ای که شاکر را از مشاهده نعمت بازدارد.

و کاملترین نوع شکر، شکر بر شکر است.

یات قرآنی و روایات اهل بیت (علیهم‌السلام) به شکرگزاری سفارش و تشویق کرده و افراد سپاسگزار را ستوده‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم؛ قرآن کریم می‌فرماید: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَ اشْكُرُوا لِلَّهِ إِنَّ

۱. بقلی شیرازی، روزبهان، شرح شطحیات، ج ۱، ص ۲۸۷-۲۸۸، چاپ هانری کرین، تهران ۱۳۴۴/۱۹۶۶.

كُنْتُمْ اِيَّاهُ تَعْبُدُونَ؛^۱ «ای کسانی که ایمان آورده‌اید از آن پاکیزه‌هایی که روزی شما کرده‌ایم بخورید و اگر خدا را می‌پرستید سپاسش را به جای آورید.»

و نیز می‌فرماید: (... وَ مَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُوْتِهٖ مِنْهَا وَ سَنَجْزِي السَّاعِرِينَ)؛^۲ «هر کس خواهان پاداش آن جهان باشد به او می‌دهیم و شاکران را پاداش خواهیم داد.»

علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «كُنْ فِي السَّرَّاءِ عَبْدًا شُكْرًا وَ فِي الضَّرَّاءِ عَبْدًا صَبُورًا»^۳ در گشایش و راحتی بنده سپاسگزار و در تنگنا و سختی بنده‌ای بردبار باش. امام صادق (علیه‌السلام) می‌فرماید: «در تورات نوشته است: کسی که به تو نعمت داد، سپاسش گزار و هر کس از تو سپاسگزاری کرد، نعمتش بده. زیرا با سپاسگزاری نعمت‌ها نابود نگردد و با ناسپاسی پایدار نماند. سپاسگزاری مایه افزایش نعمت و ایمنی از دگرگونی است.»^۴

الگوهای شاکران در قرآن

۱. رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) در همه فضایل انسانی از دیگران برتر و در مقام سپاسگزاری نیز بنده‌ای بسیار شاکر بود. اهل‌بیت (علیهم‌السلام) نیز همچون رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) با همه وجود خود سپاسگزار نعمت‌های خدا بودند به طوری که خداوند سپاس آنان را پذیرفت و فرمود: «وَ كَانَ سَعِيْكُمْ مَّشْكُورًا»^۵ تلاش شما مورد

۱. بقره/ ۱۷۲

۲. آل عمران/ ۱۴۵

۳. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم، ج ۴، ص ۶۰۲.

۴. کلینی، محمد بن یعقوب، کافی، ج ۲، ص ۷۷.

۵. انسان/ ۲۲

قدردانی (و پذیرفته) است.»

۲. خداوند حضرت نوح (علیه السلام) را با صفت «شکور» - یعنی بسیار سپاسگزار - ستوده، می فرماید: (... إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا)؛ «بحق، نوح بنده‌ای بسیار سپاسگزار بود.»^۱

۳. حضرت ابراهیم (علیه السلام) نیز از شاکران نمونه قرآنی است که در میدان مبارزه با شرک و کفر یک‌تنه در برابر همه ایستاد و با شکستن بت‌ها، نظام توحیدی را بنیان نهاد، و از دریای آتش نمرودیان، ذره‌ای نهراسید و در راه تحکیم پایه‌های دین خدا همه نوع عذاب و شکنجه را به جان خرید. قرآن کریم آن حضرت را چنین می‌ستاید: (إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَ لَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ • شَاكِرًا لِّأَنْعَمِهِ اجْتِبَاهُ وَ هِدَاهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ)؛^۲ «همانا ابراهیم چون امتی پاک به فرمان خدا بر پای ایستاد و از مشرکان نبود، سپاسگزار نعمت‌های خدا بود، خداوند هم او را برگزید و به راه درست هدایتش کرد.»

شکر در فقه

سجده شکر هنگام رو آوردن نعمتی جدید یا تجدید نعمت، مستحب است. از نمازهای مستحب، دو رکعت نماز شکر است که با کیفیتی خاص خوانده می‌شود.

از اقسام نذر، نذر شکر است. از شرایط نذر شکر آن است که متعلق آن امری باشد که شکر بر آن، سزاوار و شایسته باشد، مانند انجام دادن عملی واجب یا

۱. اسرا/۳

۲. نحل/۱۲۲، ۱۲۱

مستحب یا ترک عملی حرام یا مکروه، که در این صورت با توفیق یافتن بر آن باید به نذر خود وفا کند. اما اگر متعلق نذر چنین نباشد، مانند ترک واجب یا ارتکاب حرام، نذر منعقد نمی‌شود.

روز اول نعمت قرآن

به نام خداوندی که با همه مهربان است و با کسانی که به او ایمان می‌آورند مهربان‌تر است.

برای اثرگذاری بیشتر شکرگزاری بهتر است با استغفار شروع کنیم هر روز را، به همین دلیل استغفار ۷۰ بندی امیرالمومنین علیه السلام را در ۴۰ روز تقسیم بندی میکنیم و به مضامین آن در طی روز تفکر میکنیم. از آثار این استغفار وسعت در رزق و روزی است و برای نتیجه‌ای خوب گرفتن از چله لطف نعمت هر روز را به خوبی در طی روز مورد توجه قرار دهید و برای اینکه فراموش نکنید در حال تمرین هستی روی دست خود یا موبایل خود علامتی یا آلامی بذارید که یادآوری کند در حال تمرین شکرگزاری هستید.

بهترین ساعت برای اجرای شکرگزاری بین الطلوعین هست و بهتر است بعد از خواندن هر روز، روضه‌ای برای اباعبدالله هم گوش دهید و تباهی کنید و قلب را پاکسازی کنید.

برای شکرگزاری قلبی که مربوط به شناخت هست از برخی مطالب کتاب توحید مفضل امام صادق علیه السلام بهره خواهیم برد.

استغفار امیرالمومنین علیه السلام

۱- اللَّهُمَّ إِنِّي أُنْبِي عَلَيْكَ بِمَعُونَتِكَ عَلَيَّ مَا نِلْتُ بِهِ الثَّنَاءَ عَلَيْكَ وَ أَقْرُّ لَكَ عَلَيَّ نَفْسِي بِمَا أَنْتَ أَهْلُهُ وَ الْمَسْتُوجِبُ لَهُ فِي قَدْرِ فَسَادِ نَيْتِي وَ صَغْفٍ يَقِينِي اللَّهُمَّ نِعْمَ الْإِلَهُ أَنْتَ وَ نِعْمَ الرَّبُّ أَنْتَ وَ بِئْسَ الْمُرْبُوبُ أَنَا وَ نِعْمَ الْمَوْلَى أَنْتَ وَ بِئْسَ الْعَبْدُ أَنَا وَ نِعْمَ الْمَالِكُ أَنْتَ وَ بِئْسَ الْمَمْلُوكُ أَنَا فَكَمْ قَدْ أَذْبَبْتُ فَعَفَوْتَ عَن ذَنْبِي وَ كَمْ قَدْ تَعَمَّدْتُ فَتَجَاوَزْتَ وَ كَمْ قَدْ عَثَرْتُ فَأَقْلَبْتَنِي عَثْرَتِي وَ لَمْ تَأْخُذْنِي عَلَيَّ عَثْرَتِي فَأَنَا ظَالِمٌ لِنَفْسِي الْمَقْرُّ لِدَنْبِي الْمُعْتَرِفُ بِخَطِيئَتِي فَيَا غَافِرَ الذُّنُوبِ اسْتَغْفِرْكَ لِدَنْبِي وَ اسْتَقْبَلْكَ لِعَثْرَتِي

فَأَحْسِنْ إِجَابَتِي فَإِنَّكَ أَهْلُ الْإِجَابَةِ وَأَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ الْمَغْفِرَةِ.

بند ۱: بار خدایا! تو را حمد میگویم که به یاری تو موفق به ثناگویت شدم، و به سبب فساد نیت و ضعف یقینم، اقرار میکنم که ناتوانم که تو را آنطور که مستحق و سزاوار هستی مدح کنم،

بارالها، تو خوب معبود و خوب پروردگاری هستی و من بد پرورش یافته‌ای هستم!

تو خوب مولایی هستی و من بد بنده‌ای!

تو خوب مالکی هستی و من بد مملوکی!

چه بسیار گناهی که مرتکب شدم و تو عفو نمودی و چه بسیار جرم‌هایی که از من سر زد و تو از آن گذشتی!

چه بسیار خطاها کردم، ولی مرا مؤاخذه نکردی و چه بسیار بدی‌ها که عمداً مرتکب شدم و تو از آن درگذشتی!

و چه بسیار لغزش‌ها که از من سر زد و از آن چشم پوشی نمودی، و مرا بر غفلتم مأخذه نکردی!

اینک این منم که به خود ظلم کرده‌ام و به گناهم اقرار و به خطاهایم اعتراف دارم. پس‌ای آمرزنده گناهان! از تو میخواهم که گناهانم را ببخشی و از لغزش‌هایم درگذری، پس به نیکی اجابت کن که تو سزاوار اجابت و اهل تقوا و آمرزشی!

خالی از لطف نیست که قبل از مرور نعمت قرآن سرسفره‌ای امام صادق علیه السلام بنشینیم و ببینیم به مفضل چه چیزی را امر فرمودند:

ای مفضل، برتر است خدای تعالی از آنچه میگویند خدایشان بکشد،

چگونه از حق منحرف می‌گردند. اینان درگمراهی و کوری و تحیر خویش به کورانی می‌مانند که به خانه‌ای وارد شده‌اند که آن خانه به محکمترین و نیکوترین صورت شناخته شده، با بهترین و فاخرترین فرشها فرش گردیده، غذاها و نوشیدنی‌ها و لباسهای گوناگون همراه با حاجتهای دیگری که هرگز از آنها بی‌نیاز نتوان بود، در آن مهیا شده است و هریک از این اشیا، با تقدیری درست و تدبیری حکیمانه، در جای خود قرار گرفته‌اند، آنها در این خانه این طرف و آن طرف می‌روند و داخل این اتاق و آن اتاق می‌شوند. بی‌آنکه خانه و استحکام و استواری ساختمان آن و وسایل و نیازهای مهیا شده را ببینند. البته عده‌ای هم به چیزی که در جای خود نهاده و آماده شده دست می‌یابند بخاطر احتیاجاتشان ولی نمیدانند مقصود از آن چیست و برای چه آماده شده و چرا اینگونه قرارش داده‌اند. اینجاست که بر می‌آشوبند و خانه و بنا کننده خانه را نکوهش می‌کنند. آنها خلقت و ثبات در آفرینش را منکر شده‌اند چون ذهن آنها از شناخت علل و اسباب پدیده‌ها به دور است و سرگردان عالم هستند و حقیقت عالم که حسن آفرینش و درستی شکل دهی عالم درک نمیکنند. پس کسی که خداوند او را نعمت معرفت خویش عطا کرده و در دین هدایت فرموده و توفیق تدبیر در آفرینش پدیده‌ها داده، می‌توان بطور شایسته خداوند را سپاس گوید و از خداوند ثابت قدمی در سپاسگزاری بخواهد. خداوند فرموده است اگر سپاس گوئید، شمارا بیفزایم و اگر کفران کنید بی‌شک عذاب من سخت و دشوار است.

خواندن جملات امام صادق علیه السلام تمام وجود و قلب را درگیر میکند و کتاب توحید مفضل قطعاً کتابی عالی برای شناخت نعمتها و شکرگزاری هست و ما در این ۴۰ روز توفیق مرور بخشهایی از آن را خواهیم داشت. باشد که بهره ببریم.

برای ورود به هر جا و مکان و جایگاهی ما اذن دخول می‌خواهیم و ادب

حضور در محضر پروردگار قطعا ادبی است که ما برای ورود به این چله نیاز داریم.

نیت مهمترین شرط صحت هر عبادتی است و مهمترین قانون برای ورود، داشتن یک (نیت انسان ساز) برای خودمان و زندگیمان می باشد.

در همه عبادت ها، نیت را می توان روح و قلب عبادت دانست، چرا که هر عبادتی باید با نیت و قصد قربه الی الله انجام شود؛ از این بالاتر، نیت به قدری مهم است و نقش اساسی در تغییر و تحول دارد که حتی اگر امور غیر عبادی را با نیت صحیح الهی انجام دهیم، همان امور، عبادت خواهد شد.

از این رو پیامبر اکرم (ص) در نصایح خود به ابوذر فرمود: ((یا اباذر لیکن لک فی کل شیء نیه حتی فی النوم والاکل^۱؛ ای ابوذر! باید برای هر چیزی حتی خوابیدن و خوردن دارای نیت باشی.))

نیت خوب و برای خدا، به عمل ارزش می دهد، و هر قدر که نیت خالص تر و جامع تر باشد، ارزش عمل بیشتر خواهد شد، و به عکس نیت ناصحیح و آلوده، و یا ریا آلود، عمل را - گرچه ظاهری نیک داشته باشد - تباه و فاقد ارزش می کند، بر همین اساس رسول اکرم (ص) فرمود: ((انما الاعمال بالنیات^۲؛ همانا کردارها بستگی به نیتها دارند.)) به طور کلی همه عبادت ها بدون نیت باطل اند، و هرگاه نیت عبادت، آمیخته با ریا باشد آن عبادت، باطل خواهد بود. نیت در نماز رکن اول آن است که گرچه از روی فراموشی ترک گردد، نماز باطل است.

امیرالمؤمنین علیه السلام: نیت اساس هر عمل است و ارزش هر عملی را

۱. علامه مجلسی، بحار الانوار، ج ۷۷، ص ۸۴

۲. کنز العمال، حدیث ۷۲۲۷، و بحار الانوار، ج ۷۰، ص ۲۲۱.

نیت آن مشخص می‌کند.^۱ بطور مثال برای غسل ارتماسی که با شیرجه زدن در آب اتفاق می‌افتد قطعاً باید قبلش نیت غسل ارتماسی داشته باشیم که آن شیرجه زدن معنا پیدا کند. در چله هم همینطور.

در جایی دیگر رسول خدا (ص) فرمودند: انسانها در قیامت بر اساس نیتهای خود محشور می‌شوند.

روایات و داستان‌های زیادی در باب نیت داریم. کسیکه به پیامبر گفت خیلی دوست داشتم در این جنگ حضور داشتم و پیامبر فرمود همینکه نیتش را داشتی در این جهاد با من همراه بودی. و برعکس آن هم صادق است.

اسلام نیت را سرچشمه اعمال می‌داند. اعمال اسلامی ما هم مثل وضو، روزه، نماز و غسل و... بدون نیت عمل محسوب نمی‌شوند.

هدف پیامبران و کتب آسمانی سالم سازی و خلوص نیت در قلب هست که ان شالله در این چله بتوانیم به آن نزدیک بشویم. در سوره ص آیه ۸۲ و ۸۳ گفته شده که ابلیسی هست که سوگند خورده که همه بندگان را گمراه خواهد کرد مگر بندگان خالص خداوند را. پس برای مبارزه با ابلیس باید نیت‌ها را برای خداوند خالص کنیم. در این مسیر فرشتگان خداوند خدمتگزاران مؤمنان خواهند بود.

بعضی‌ها فکر میکنند قرار است در چله خودشان کاری را انجام دهند. اما ما، در چله مهمان صاحبخانه ایم و قرار است او برای ما کاری کند، و ما در این میهمانی به رسم ادب با جرئیات و با اشتیاق از پذیرایی میزبان تعریف و شکرگزاری میکنیم. با چله میهمان سفره پربرکت خداوند خواهیم شد و نیاز به یک ادب داریم و زبانی برای تشکر.

سه اصل مهم در مورد انسان طبق آیات قرآن:

۱- نسل انسان از خاک هست و خداوند از روح خود در او دمید پس انسان از روح خداوند آفریده شده و کامل خلق شده و تمام صفات بصورت بالقوه در او هست که باید بالفعل تبدیلش کنیم.

۲- انسان جانشین خداوند در زمین هست و همه آسمانها و زمین را برای انسان خلق کرده و او را برای خودش. وظیفه انسان در قرآن حفظ ایمان و دوری از شرک معرفی شده است.

حفظ ایمان دو جنبه دارد: مبدا خداوند هست و دوم اعتقاد به معاد است.

اما شرط ایمان را حضرت علی (ع) بیان می‌کنند به عزت و جلالم سوگند که امید هرکس که به غیر من امید ببندد به ناامیدی میکشانم و این دوری از شرک را بیان میکند و اینکه معشوقی جز خدا نباید داشته باشیم.

انسان مختار است بین شکر و ناسپاسی انتخاب کند ولی در جاده شکر فراوانیها یافت می‌شود و در جاده ناسپاسی چیزی جز فقر حاکم نیست.

۳- جایگاه خداوند در انسان کجاست؟ طبق فرموده امام صادق (ع) حبل الوريد جایگاه خداوند است. رگی که وارد قلب می‌شود نامش ورید است و خداوند در میان انسان و قلبش قرار گرفته. پس باید ارتباطمان با قلبمان را روز به روز بهتر کنیم. یک جسمی که به خاک مربوط هست و روحی که به خدا متصل هست و این روح الهی انسان را از سایر موجودات متمایز می‌کند و به انسان کرامت می‌بخشد. انسانی که حقایق هستی را میتواند درک کند (سوره بقره آیه ۳۱) در سوره علق آیه ۵ آمده نعمت علم را به انسان عطا کردیم و نعمت عقل که فقط به انسان افزوده شده است. انسان با پرداختن به درونش می‌تواند به جهان بیرون مسلط شود گویی که وجود انسان یک نقشه کوچک است که از وجود کل عالم کبیر برداشته شده

هرکس خود را بشناسد می‌تواند به خداشناسی برسد. برای رسیدن به مقام انسانیت نیاز به کتابچه راهنمایی است که قرآن میباشد که بر قلب پیامبر نازل شده. پس اولین نعمت الهی برای شکرگزاری قرآن میباشد.

سه نوع شکر داریم: قلبی، زبانی و عملی

شکر قلبی قرآن:

اینکه بدانیم مدیون خداوند هستیم و هر چه داریم از اوست و اینکه انسان خالق دارد و دفترچه راهنمایی که قرآن میباشد. قرآن به شکل جوانی زیباروی در آخرت در کنار کسی که آنرا قرائت می‌کند قرار می‌گیرد و او را همراهی می‌کند و گفته می‌شود بخوان و بالا رو

شکر زبانی قرآن:

الحمد لله به خاطر وجود قرآن و صحبت‌های ناب الهی

الحمد لله به خاطر شفای حاصل از قرائت قرآن، به خاطر قرآنی که وسوسه شیطان را میندود و مانع از آتش روز قیامت هست. سه مورد هم شما بنویسید:

.....

.....

.....

شکر عملی قرآن:

در اصول کافی از امام باقر (علیه السلام) آمده اگر مسلمان بخواهد از غافلان و بیخبران نباشد بایستی روزانه حداقل ده آیه را تلاوت کند. اگر می‌خواهید همیشه یاد خدا باشید در اصول کافی جلد دو به خواندن روزانه

۵۰ آیه توصیه شده. حق تلاوت قرآن هم به گردن کسی که قرآن می‌خواند هست. (تفکر، اندیشه و عمل) خواندن یک آیه با تفکر و عمل روزانه در زندگی ما اثر بسیار دارد. زیانکاران ترین‌ها از نظر قرآن کافراند. سوره‌ای که به خواندنش هر روز توصیه شده و آنقدر واجب است که در نمازهای واجب باید خوانده شود سوره حمد است. طبق فرموده امام صادق (ع): ابتدایش حمد خدا، وسطش اخلاص و آخرش دعاست. هدف سوره تربیت بندگان خالص الهی هست و آموزش سخن گفتن با خدا و تمجید خداوند. اولین جمله قرآن بسم الله الرحمن الرحیم هست که اگر ۱۹ بار بگوییم و بعد از رختخواب برخیزیم در تمام طول روز محافظ ما خواهد بود. خداوند را به دو صفت در بسم الله الرحمن الرحیم یاد می‌کنیم هم مهربان به همه و هم مهربان ویژه به کسیکه به او ایمان آورده است که آرم اسلام است و در تمام سوره‌ها جز توبه آمده و ۱۱۴ بار تکرار شده. توصیه شده برای اینکه کارهاتون روح و رنگ الهی بگیرد از این آرم اسلام استفاده کنید که نشانه محبت شما به خداوند است، کار شما را بیمه می‌کند و انسان را از تکبر خارج می‌کند، ذکر خداست، شرک را از بین می‌برد و رمز توحید است و به حضور ما در لحظه ایکه خداوند را حس می‌کنیم دوام می‌دهد و بهترین آیه قرآن است و در این چله باید ((آغاز هر کار ما با بسم الله الرحمن الرحیم)) باشد. اگر فراموش میکنید نشانه‌ای برای خود بگذارید. از درسهای امام صادق علیه السلام به مفضل: کسیکه خداوند او را نعمت معرفت خویش عطا کرده و در این دین هدایت فرموده و توفیق تدبیر در آفرینش پدیده‌ها داده می‌تواند به طور شایسته خداوند را سپاس گوید و از خداوند ثابت قدمی در سپاسگزاری

را بخواهد. خداوند فرموده است اگر سپاس گویند شما را بیافزایم و اگر کفران کنید بی شک عذاب من سخت و دشوار است. با روی سیاه با کوه گناه این بنده به تو آورده پناه نزدیکترین راه برای رسیدن به معرفت حق تعالی گریه بر سیدالشهداست و امام صادق (ع) میفرماید: کسیکه بر امام حسین (ع) گریه می کند با آن حضرت مرتبط می شود رنگ آن می گیرد و آن رنگ الهیست و چه رنگی از رنگ خدای نیکوتر. اگر افزایش ظرفیت، شخصیت، صفات و کمالات و رزق و روزی می خواهیم گریه بر سیدالشهدا در سحرگاهان رمز ورود به زندگی متفاوت خواهد بود.

روز دوم نعمت گوش

با استغفار شروع میکنیم بندسوم و چهارم و پنجم را با هم تفکر میکنیم.

بند ۲- اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ قَوِيَ بَدَنِي عَلَيْهِ بِعَافِيَتِكَ أَوْ نَالْتَهُ قُدْرَتِي بِفَضْلِ نِعْمَتِكَ أَوْ بَسَطْتُ إِلَيْهِ يَدِي بِتَوْسِعَةِ رِزْقِكَ وَ احْتَجَبْتُ فِيهِ مِنَ النَّاسِ بِسِرِّكَ وَ اتَّكَلْتُ فِيهِ عِنْدَ حَوْفِي مِنْهُ عَلَى أَنَاتِكَ وَ وَثِقْتُ مِنْ سَطْوَتِكَ عَلَيَّ فِيهِ بِحِلْمِكَ وَ عَوَّلْتُ فِيهِ عَلَى كَرَمِ عَفْوِكَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

بند ۲: با خدایا! از تو مسألت آمرزش دارم، از هر گناهی که به واسطه‌ی عافیت بخشی تو، بدنم بر آن توانا شد؛ یا به واسطه‌ی نعمت فراوان تو به آن قدرت پیدا کردم؛ یا به واسطه‌ی رزق واسع تو به آن دست یافتم؛ و یا با پرده پوشی تو، در آن گناه از مردم پنهان ماندم؛ یا هنگام هراسم از گناه، در آن معصیت بر صبر و درنگ تو تکیه کردم و در آن گناه، از خشم بر من، به حلمت اعتماد کردم و آن را بر عفو کریمانه ات واگذار نمودم، پس بر محمد و آلش درود فرست و این گونه گناهانم را بیامرزای بهترین آمرزندگان.

۳- اللَّهُمَّ وَ اسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو لِي غَضَبِكَ أَوْ يُدْنِي مِنْ سَخَطِكَ أَوْ يَمِيلُ بِي إِلَى مَا نَهَيْتَنِي عَنْهُ أَوْ يَنَائِي بِي عَمَّا دَعَوْتَنِي إِلَيْهِ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

بند ۳: بار خدایا! از تو آمرزش میطلبم برای هرگناهی که مرا به سوی غضبت فرا میخواند؛ یا مرا به سوی خشمت نزدیک میسازد؛ یا مرا به سوی آنچه که نهی ام کرده‌ای می‌کشاند؛ یا از آنچه که مرا به سوی آن دعوت نموده‌ای دور می‌نماید؛ پس بر محمد و آلش درود فرست و این گونه گناهانم را بیامرزای بهتری آمرزندگان.

جانا سخن از دل ما می‌گویی. به زیبایی از گناهان ما یاد میکنی و امید داریم

که با نفس گرم مولا ما هم شامل بخشش الهی باشیم. الهی و ربی من لی غیرک

شکرگزاری قلبی نعمت گوش

وقت رزق گرفتن از سفره‌ای علم امام صادق علیه السلام هست:

حواس پنجگانه، حس گرهای انسان پنج تا است تا پنج محسوس را درک کنند و هیچ یک از محسوسات را از دست نهند. چشم‌ها برای درک رنگها آفریده شده اند. حال اگر رنگها بودند و برای احساس آنها چشمی وجود نداشت فایده اشان چه بود؟ گوش‌ها برای درک صداها خلق گردیده است، اگر صداها بودند و گوش‌ها برای شنیدن شان نبود، هیچ سودی نداشتند. همچنین دیگر حواس، این رابطه دو طرفی است، بدین معنا که اگر چشمی وجود داشت و رنگها نبودند، وجود چشم‌ها بی معنی بود و اگر گوش‌ها برای شنیدن داشتیم و صداها وجود نداشتند بودن گوشها بیجا می نمود.

بنگر که چگونه بعضی از حواس، بعضی از محسوسات را درک میکنند و برای هر حس گری، محسوسی آفریده شده که در آن اثر میکند و برای هر محسوسی، حس گری قرار داده شده که آنرا در می یابد. با اینهمه، میان حواس و محسوسات اشیایی واسطه شده اند که کار حواس فقط با وجود آنها به انجام می رسد. مانند نور و هوا

اگر نوری نباشد که رنگ‌ها را آشکار کند، چشم توان دیدن رنگ را ندارد، همچنان که اگر هوایی نباشد که صدا را به گوش برساند، گوش صدایی نخواهد شنید. آیا کسی که نگاهی درست دارد و اندیشه اش را بکار می بندد، پی نخواهد برد که آماده سازی حواس و محسوسات و رابطه بین آنها و وجود اشیایی دیگر برای کامل کردن کار حواس، جز با قصد قبلی و تقدیر خداوند دقیق بین و آگاه نمی تواند بود.

چقدر ظریف امام صادق علیه السلام این نعمت ۵ حس را به رخ کشیدند. قطعاً یکی از ویژگی‌های مهمان خوب بودن درمقابل میزبان لذت بردن از پذیرایی میزبان است و بیان کردن آن است و این کار بجز با ۵ حس امکان پذیر نیست. درگیری پنج حس با کارهای روزانه و لذت تمام بردن از خوردنی‌ها و شنیدنی‌ها و لمس کردن‌ها و دیدنی‌ها و بویدنی‌ها شکرگزاری عملی از پروردگار هست.

در استفاده از میوه‌ها در روایات بسیار توصیه شده اول ببویید و بعد میل کنید. درمورد غذاها هم باید تا می‌توانیم پنج حس را درگیر کنیم. ما حتی سفارش به با دست غذا خوردن هم داریم.

امروز روی گوش تمرکز میکنیم. شکر قلبی گوش که از ابزارهای شناخت هست و در آیات قرآن بر چشم مقدم شده است.

سوره انعام ایه ۴۶

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَ أَبْصَرَكُمْ وَ خَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَن إِيَّاهُ غَيْرَ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظُرْ كَيْفَ نَصَّرَفَ الْآيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

بگو: چه فکر می‌کنید، اگر خداوند، شنوایی و بینایی شما را بگیرد و بر دل‌های شما مهر بزند، جز خداوند، کدام معبودی است که آنها را به شما باز دهد؟ ببین که ما چگونه آیات را به گونه‌های مختلف بیان می‌کنیم، اما آنان (به جای ایمان و تسلیم) روی بر می‌گردانند.

در تفسیر نور آمده: از ابتدای سوره تا اینجا حدود ده بار خداوند با طرح سؤال، مخالفان را دعوت به تفکر کرده است. زیرا تفکر در نعمت‌ها و تصور و فرض تغییر و تحوّل آنها، زمینه خدانشناسی است.

در این آیه به یک صفت از انسان نیز اشاره شده و آن لجاجت انسان است.

قطعا برای از بین بردن این لجاجت خوب شنیدن و تفکر کردن میتواند این صفت را کنترل کند.

حضرت علی علیه السلام در خطبه ۷۵ نهج البلاغه میفرماید: خدارحمت کند کسی را که سخن حکیمانه را بشنود و بپذیرد و چون به راه راست خوانده شود، بدان قدم بگذارد و کمر بند راهنمایی کننده‌ی خویش را بگیرد تا از سختی‌ها و گرفتاریها نجات یابد.

چه زیبا از کمر بند راه راست دور انسان صحبت کردند و چقدر احساس امنیت نیاز این روزهای ما انسان هاست. در عصر غیبت مولایمان ما به این کمر بند محتاجیم.

آدمی فربه شود از راه گوش حیوان فربه شود از حلق و نوش^۱

شکرگزاری عملی نعمت گوش و شنیدن

پس از امروز ورودی گوش باید فیلتر داشته باشد هر حرفی را نباید شنید شکر عملی گوش حفظ گوش از غیبت‌ها و تهمت‌ها و حرفهای منفی دیگران و اخبار بد خواهد بود.

و باید بار مسئولیت را از گوش‌ها برداریم. سوره اسرا آیه ۳۶ از این مسئولیت صحبت شده است.

و لَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

و از آنچه به آن علم نداری پیروی مکن، چون گوش و چشم و دل، همه اینها مورد بازخواست قرار خواهد گرفت.

در تفسیر این آیه دو نکته مهم داریم:

۱- راه شناخت، تنها حس نیست، دل نیز یکی از راه‌های شناخت است.
«السمع و البصر و الفؤاد»

۲- در قیامت، از باطن و نیات هم بازخواست می‌شود. «الفؤاد»

که در شکرگزاری روزهای آتی به آن خواهیم پرداخت.

درسوره ملک آیه ۹ و ۱۰ و ۱۱ از گوش بعنوان یک ورودی مهم برای بکار گیری عقل یاد شده است.

أَلْوَا بَلَىٰ قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

کبیر ۹

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ ۱۰

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحْقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ ۱۱

گویند: چرا، همانا هشداردهنده به سراغ ما آمد، ولی ما تکذیب کردیم و گفتیم:

خداوند چیزی نازل نکرده است و شما جز در گمراهی بزرگی نیستید. و گویند:

اگر ما (حق را) می‌شنیدیم یا تعقل می‌کردیم، در زمره اهل آتش نبودیم. پس به گناه خود اعتراف نمایند، پس لعنت بر اهل آتش باد.

در تفسیرنور این آیات آمده ریشه تکذیب خداوند تعقل نکردند است و علت تعقل نکردن خوب نشنیدن و خوب ندیدن است.

نصیحت گوش کن جانا که از جان دوست تر دارند

جوانان سعادت‌مند، پند پیر دانا را^۱

هدف انسان دردنیا بالفعل کردن استعدادهای بالقوه درون شان است و کامل تحویل دادن خود به ذات اقدس الهی است. سوره انشقاق آیه ۶ خداوند میفرماید: انسان همواره در تلاش رسیدن به کمال مطلق است تا بدان نرسد دست از آن برنمیدارد.

اما گاهی این به تکامل رسیدن درمسائل دنیوی دنبال میشود از اونجایی که دنیا همیشه کاملتری دارد که هنوز کشف یا اختراع نشده، انسان را وارد سراب میکند و در این مسیر رسیدن به سراب عمر را تلف خواهد کرد.

گوش آخرین عضوی هست که در بدن از کار می‌افتد بخاطر همین برمیت تلقین خوانده می‌شود. گوش امواج را به مغز و قلب منتقل میکنند. آیه ۷۸ سوره نحل و ۷۸ سوره مومنون و ۹ سجده و ۲۳ ملک خداوند بینایی و شنوایی را ابزار شناخت معرفی کرده است. و آنرا نعمت معرفی میکند.

وَاللّٰهُ اَخْرَجَكُمْ مِّنْ بُطُوْنِ اُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُوْنَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْاَبْصَرَ وَالْاَفْئِدَةَ
لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُوْنَ^۲

و خداوند شما را از شکم مادرانتان بیرون آورد در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید و برای شما گوش و چشم‌ها و دل‌ها قرار داد، شاید شما شکر کنید.

تفسیر نور آیه، کارآیی گوش قبل از چشم است. (گوش در شکم مادر هم می‌شنود، ولی چشم بعد از تولد، تا مدتی بسته است. شاید به همین دلیل در آیه نام گوش قبل از چشم برده شده است) «جعل لكم السمع والابصار»

۱. حافظ شیرازی

۲. نحل/ ۷۸

در شکرگزاری عملی گوش تعدادی از آیات هرگونه پذیرش حق و اطاعت از خدا و پیامبر را در گرو بکارگیری نیروی شنوایی می‌داند. آیات سوره‌های مائده آیه ۸۳ و ۳۶ انعام و ۲۹ و ۳۰ احقاف و ۴۶ نسا، ۷۸ مومنون، ۶۷ یونس، ۲۳ روم، ۶۵ نحل، ۴۴ فرقان و ۱۸ زمر

بهره‌گیری درست از گوش جز شکرگزاری عملی آن محسوب می‌شود. تحصیل ایمان به قرآن و عمل به دستورات آن نقش مهمی در سرنوشت انسان دارد.

در آیات (۴۶ حج، ۲۶ سجده، ۳۶ و ۳۷ ق، ۱۱ و ۱۲ حاقه) از نیروی شنوایی بعنوان عامل پندگیری و عبرت آموزی انسان‌ها یاد میکند. در تفسیر آیه ۲۶ سجده جمله‌ای بسیار زیبا هست که خیلی جای تفکر دارد: اگر گوش شنوا باشد، خرابه‌های خاموش نیز برای ما پیام دارند. «أَفَلَا يَسْمَعُونَ»

در تفسیر ۳۶ و ۳۷ سوره ق آمده شنیدن و گوش‌دادنی اثر دارد که با توجه و حضور قلب باشد.

و در آیات ۱۱ و ۱۲ حاقه، به شنیدنی ارزش میدهد که همراه با فهم و حفظ باشد.

با بررسی آیه ۸۰ و ۸۱ سوره نمل هم میتوان نکاتی عالی آموخت براین منوال که:

إِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا مُدْبِرِينَ ﴿۸۰﴾

بی‌شک، نمی‌توانی دعوت خود را به گوش مردگان برسانی، و نمی‌توانی کران را آنگاه که روی برمی‌گردانند و پشت می‌کنند، فراخوانی (و حقیقت را به آنان بفهمانی).

وَ مَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمِّيِّ عَن صَلَاتِهِمْ إِنَّ تُسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

«۸۱»

تو هدایت کننده کوران از گمراهیشان نیستی؛ تو فقط می‌توانی سخن خود را به گوش کسانی برسانی که به آیات ما ایمان آورده‌اند و در برابر حق تسلیم هستند.

پیام‌های تفسیرنور آیات بالا:

اگر شنونده سنگدل باشد، سخن حق از گوینده‌ی پاک و شایسته نیز در او اثری ندارد. آری، لامپ سوخته با اتصال به هیچ برقی روشن نمی‌شود.

بر سببه دل چه سود خواندن و عظ

نرود میخ آهنین در سنگ

ایمان به منزله‌ی روح در کالبد است. کسانی که با دیدن معجزه و شنیدن منطق، ایمان نمی‌آورند، لاشه‌ای بی‌روح و مرده هستند. افراد کر می‌توانند با اشاره چیزی بفهمند، ولی افراد شنوا که به حقیقت پشت کرده و از اهل حق دور شده‌اند، اشارات را هم نمی‌فهمند.

در سوره روم آیه ۵۲ هم همین نکات متذکر شده است در تفسیر سوره فاطر آیه ۲۲، مؤمن و کافر به چهار چیز تشبیه شده‌اند که نتیجه این چهار مقایسه و تشبیه آن است که مؤمن از نظر شخصیت و سرنوشت با کافر یکسان نیست.

مؤمن به بینا و کافر به نابینا.

مؤمن به نور و کافر به تاریکی.

مؤمن به سایه آرام بخش و کافر به باد سوزان و داغ.

مؤمن به زنده و کافر به مرده.

مؤمن، رو به رشد و حرکت است، زیرا هم چشم حقیقت‌بین، هم نور دارد، هم نفس پاک و هم دل زنده. اما کافر حاضر نیست حقیقت را ببیند و به خاطر سنگدلی، آن را نمی‌پذیرد و به دلیل ظلمات جهل و تعصب و تحجر در راه حق حرکت نمی‌کند.

شکرگزاری زبانی گوش

الحمدالله بخاطر این توانمندی که راه تعقل را برای ما باز میکند.

الحمدالله بخاطر نعمت شنیدن صدای عزیزانمان و سمفونی زیبای طبیعت

الحمدالله برای شنیدن صدای تسبیح پرندگان و باد و آب و...

.....

.....

.....

روز سوم نعمت چشم

با استغفار امیر المومنین ع شروع میکنیم:

۴- اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ اسْتَمَلْتُ إِلَيْهِ أَحَدًا مِنْ خَلْقِكَ بَعْوَايَتِي أَوْ خَدَعْتُهُ بِحِيلَتِي فَعَلَّمْتُهُ مِنْهُ مَا جَهَلَ وَعَمِيَّتْ عَلَيْهِ مِنْهُ مَا عَلِمَ وَ لَقَيْتَكَ عَدَا بِأَوْزَارِي وَ أَوْزَارِي مَعَ أَوْزَارِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

بند ۴: بار خدایا! از تو آمرزش میطلبم از هر گناهی که بنده‌ای از بندگان را با فریب کاری به سوی آن کشاندم و با نقشه و خدعه او را فریب دادم؛ آنگاه گناهی را که نمی‌شناخت به او یاد دادم و جلوی دید او را از آنچه میدانست گرفتم و میدانم که فردای قیامت باید با وزر و وبال گناه دیگران، علاوه بر گناه خود، با تو ملاقات کنم؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست و این گونه گناهم را بیمارزای بهترین آمرزندگان!

۵- اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ يَدْعُو إِلَيَّ الْغَيِّ وَ يَصِلُ عَنِ الرَّشِدِ وَ يَقِلُّ الرَّزْقُ وَ يَمْحُو الْبُرْكَهَ وَ يُحْمِلُ الذِّكْرَ فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

بند ۵: بار خدایا! از تو آمرزش میطلبم از هر گناهی که به سوی گمراهی می‌کشاند و از راه رشد دور می‌کند، و روزی را کم و برکت را از بین میبرد، میراث گذشته را نابود و نام آدمی را از خاطره‌ها میبرد، پس بر محمد و آلش درود فرست و این گونه گناهم را بیمارزای بهترین آمرزندگان!

۶- اللَّهُمَّ وَاسْتَغْفِرُكَ لِكُلِّ ذَنْبٍ أَتَعَبْتُ فِيهِ جَوَارِحِي فِي لَيْلِي وَ نَهَارِي وَ قَدِ اسْتَرْتُ مِنْ عِبَادِكَ بَسْتِرِي وَ لَا سِتْرَ إِلَّا مَا سَتَرْتَنِي فَصَلِّ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَ اغْفِرْهُ لِي يَا خَيْرَ الْغَافِرِينَ.

بند ۶: بار خدایا! از تو آمرزش میطلبم از هر گناهی که در شب و روزم، اعضا و جوارحم را در آن گناه خسته کردم و خود را در پرده‌ی پوشش خویش،

از بندگانت پنهان کردم، در حالی که پرده‌ی حفظی جز پوشش تو نیست؛ پس بر محمد و آل محمد درود فرست و این گونه گناهانم را بیمارزای بهترین آمرزندگان!

شکرگزاری قلبی نعمت چشم

آفرینش چشم برای انسان، یکی از آیات الهی می‌باشد که در قرآن هم خداوند در این مورد می‌فرماید:

قل ارءیتم ان اخذ الله سمعکم و ابصرکم و ختم علی قلوبکم من اله غیر الله یا تیکم به انظر کیف نصر فی الایة ثم هم یصدفون. بگو: «به من خبر دهید اگر خداوند، گوش و چشم‌هایتان را بگیرد، و بر دل‌های شما مهر نهد (که چیزی را نفهمید)، چه کسی جز خداست که آنها را به شما بدهد؟!» بین چگونه آیات را به گونه‌های مختلف برای آنها شرح می‌دهیم، سپس آنها روی می‌گردانند.^۱ خداوند به نگاه و تامل، در مبدا آفرینش جهان تشویق و ترغیب کرده است.

الذی خلق سبع سموات طباقا ما تری فی خلق الرحمن من تفوت فارجع البصر هل تری من فطور. ثم ارجع البصر کترین ینقلب الیک البصر خاسئا وهو حسیر. همان کسی که هفت آسمان را بر فراز یکدیگر آفرید؛ در آفرینش خداوند رحمان هیچ تضادّ و عیبی نمی‌بینی! بار دیگر نگاه کن، آیا هیچ شکاف و خللی مشاهده می‌کنی؟! • بار دیگر (به عالم هستی) نگاه کن، سرانجام چشمانت (در جستجوی خلل و نقصان ناکام مانده) به سوی تو باز می‌گردد در حالی که خسته و ناتوان است.^۲

۱. انعام/۴۶

۲. ملک/۴ و ۳

آگاهی از طریق دیدن اشیا به وسیله چشم از زمان تولد، برخاسته از قدرت الهی می‌باشد.

والله اخرجکم من بطون امهتکم لا تعلمون شیئا وجعل لکم السمع والابصر...

و خداوند شما را از شکم مادرانتان خارج نمود در حالی که هیچ چیز نمی‌دانستید؛ و برای شما، گوش و چشم و عقل قرار داد، تا شکر نعمت او را بجا آورید.^۱

از نظر قرآن مجید بر اساس حالاتی که بر چشم عارض می‌شود، انواع مختلفی دارد و هر نوع از آن، ویژگی‌ها و خصایص منحصر به خود را دارد، و ما به عنوان انسان انتخاب می‌کنیم از کدام دریچه به دنیا نگاه کنیم:

۱. چشم حسّ

دایره ادراک چشم فقط در محدوده محسوسات است و کسانی که می‌خواهند فقط با دیدن ظاهری به حقایق پی ببرند، مبنای سخنشان اصالت حسّ و امور مادی است و آنها از پذیرش آنچه محسوس نباشد، سر باز می‌زنند و هستی را همسان با ماده می‌پندارند و معتقدند، آنچه مادی نیست، موجود نبوده و پندار و خرافه‌ای بیش نیست. این گروه، نه قائل به مبدأ فاعلی هستند و نه مبدأ غایی.^۲ در فرهنگ این‌گونه افراد، عقل به منزله عینک چشم ظاهر است؛ یعنی عقل هرگز حقیقت جدیدی را ادراک نمی‌کند، بلکه تنها واسطه و وسیله‌ای است برای ادراک بهتر مادی، بدون آنکه حقیقتی افزون بر آنچه از طریق حسّ، تحصیل شده است، کشف نماید.

۱. نحل/ ۷۸.

۲. شناخت‌شناسی در قرآن، آیت‌الله جوادی آملی، ص ۱۵۲.

آن کس که جهان را بر اساس چشم حس می‌شناسد و مطابق با معیارهای حسی ایمان می‌آورد، اگر ابزار شناخت و حس او عوض شود، دست از عقیده خود برمی‌دارد و همچون قوم بنی‌اسرائیل می‌شود؛ یعنی زمانی که عصا به صورت مار درآمد به حضرت موسی علیه‌السلام ایمان آوردند ولی چون گوساله سامری را مشاهده کردند، گوساله‌پرست شدند. آنچه آنان از مار شدن عصا و صدای گوساله دریافت می‌کردند، تنها یک امر حسی بود که با چشم ظاهر مشاهده می‌کرد.^۱

۲. چشم یقین

یکی از بارزترین لذایذ معنوی، آن است که محبوبِ جامعِ کلِ کمالات، نظر لطف به انسان بیفکند و با او سخن بگوید و از آن فراتر اینکه انسان بتواند به مقام شهود ذات پاک پروردگار برسد؛ یعنی با چشم دل و یقین، او را ببیند و غرق دریای جمال او گردد.^۲

شهود مبدأ هستی با چشم یقین و ملکوتی صورت می‌گیرد. اگر کسی فراسوی خود، این راه را گشود و به اندازه هستی خویش به شهود مبدأ و معاد بار یافت، همان معرفت بلندی را که با علم‌الیقین حاصل شده است، به دست می‌آورد و در همین دنیا قادر به دیدن نشانه‌های نهایی مانند بهشت و جهنم می‌شود و این همان شهودی است که پیامبران خدا و از جمله حضرت ابراهیم علیه‌السلام با آن به دیدار باطن هستی و ملکوت آسمان‌ها و زمین نایل شدند.^۳

۱. همان، ص ۱۶۵

۲. تفسیر موضوعی پیام قرآن، آیت‌الله مکارم، ج ۶، ص ۲۹۶.

۳. تفسیر موضوعی قرآن، صورت و سیرت انسان، آیت‌الله جوادی آملی، ج ۱۴، ص ۶۴.

و كَذَلِكَ نُرِي اِبْرَاهِيْمَ مَلَكُوْتِ السَّمٰوٰتِ وِ الْاَرْضِ وَاَيُّوْنِ مِنَ الْمَوْقِنِيْنَ^۱

و این چنین، ملکوت آسمان‌ها و زمین (و حکومت مطلقه خداوند بر آنها) را به ابراهیم نشان دادیم؛ (تا به آن استدلال کند) و اهل یقین گردد.

البته این راه منحصر به پیامبران نیست، بلکه خداوند، دیگران را هم به پیمودن آن تشویق کرده و به نظر کردن در ملکوت هستی فرامی‌خواند. حصول معرفت حق با چشم یقین، انسان را به سرور و شادی دایم می‌رساند و چون زمام و عنان خویش را به دست دوست می‌بیند، نگران نیست؛ همچون حضرت زینب علیهاالسلام که در پاسخ ابن زیاد که گفت: «دیدنی خدا با برادرت در کربلا چه کرد؟» با دیده یقین و با کمال صلابت فرمود: همه‌چیز را زیبا دیدم.

حضرت زینب علیهاالسلام این سخن را در پی دیدن صحنه‌هایی بر زبان می‌راند که تاریخ، صحنه‌ای به تلخی و جانگدازی آنها نه دیده است و نه خواهد دید، اما او با شهود ملکوتی خود، پروردگار هستی را دیده و زمام عالم و آدم را در دست او می‌بیند و آثار جمیل محض را با جمال می‌نگرد و زیبایی شهادت را با چشم دل مشاهده می‌کند.^۲

۳. چشم سفید

چشم سفید، همان چشم ظاهر است که ابتدا بیناست و سپس بر اثر غم و اندوه و فراق و گریه و زاری، بینایی آن از بین می‌رود که در زبان عربی به آن «عین بیضاء» می‌گویند. بعضی‌ها معتقدند که این نوع چشم، مقدار کمی بینایی دارد ولی مرحوم علامه طباطبایی (ره) در المیزان این مطلب را رد می‌کند.^۳

۱. انعام، آیه ۷۵.

۲. تفسیر موضوعی قرآن، صورت و سیرت انسان، آیت‌الله جوادی آملی، ج ۱۴، ص

۳. قاموس قرآن، سید علی‌اکبر قرشی، ج ۲ و ۱، ص ۲۵۲.

قرآن در ماجرای جدایی حضرت یعقوب علیه‌السلام و فرزندش یوسف علیه‌السلام می‌فرماید: «...وَأَيُّضًا عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ..»^۱

از سوز هجران و داغ دل، چشمانش درانتظار یوسف، سفید شد.

ما در ادبیات خودمان کسی که حقایق را نبیند و منکر خوبی‌ها و نعمت‌ها شود را چشم سفید می‌خوانیم. شاید حضرت یعقوب ع بدلیل وابستگی زیاد و ندیدن خوبی نبودن یوسف به این بیماری چشم مبتلا شدند و ما هم باید مراقب باشیم خود را درگیر وابستگی‌ها نکنیم.

۴. چشم روشن

وقتی دل انسان ملامال از غم و اندوه است و ناگهان خبر مسرت‌بخشی به او داده می‌شود و دوران فراق و جدایی به پایان می‌رسد، دلش از غم و حزن خالی می‌شود و حالتی در چهره و چشمان او پدید می‌آید که چشمش شاد و روشن می‌گردد؛ همچون سرگذشت حضرت موسی علیه‌السلام که وقتی به دامان پرمهر و محبت مادر برمی‌گردد، دیده مادر به جمال ملکوتی او روشن می‌شود و حزن و اندوهش برطرف می‌گردد: «فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَ تَلْحَظَنَ...»^۲. «ما او را به مادرش بازگرداندیم تا چشمش روشن شود و غمگین نباشد».

۵. چشم اشک‌بار

شدت علاقه به امری گاه چنان ذوقی در انسان پدید می‌آورد که اگر از آن محروم شود، اشک افسوس و حسرت را سرازیر می‌کند. چنانکه در جنگ تبوک، هفت نفر از فقرای مسلمانان خدمت پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله رسیدند و تقاضا

۱. یوسف، آیه ۸۴.

۲. قصص، آیه ۱۳.